تصویر انشائات طولی وضعی در ماهیت صوم

- الف) اصل اقتضاء صوم؛ امساک
- ب) امر طولی به امساک در شهر رمضان
- ج) نهی طولی از صوم وصال
- د)امر طولی به صوم «من العتمه الی اللیل»
- ه) امر طولی به صوم در روز؛ خروج شب از ظرف امساک
- و) نهی طولی از صوم مسافر

الف) اصل اقتضاء صوم؛ امساک

بنابراين اگر به اين صورت باشد، اصل اقتضاء صوم، امساک بوده؛ به‌خاطر اينکه اين امساک به نفع عبد است. روحی که در عالم بدن آمده، غايت خلقتی داشته. خدايی که او را خلق کرده می‌داند. چيزهايی هم ضروريات بدن است؛ چاره‌ای ندارد. اقتضاء صوم برای او خيلی بالا است. به‌خاطر آن مجموع کمالات دنيوی و اخروی.

ب) امر طولی به امساک در شهر رمضان

امّا از آن طرف هم عاجز است. لذا در آیه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»[1]، ضمیر «ه» را به «شهر» بر می‌گردانیم. پس نهی از صوم وصال، در طول «فلیصمه» است. یعنی اول «فلیصمه» است که اقتضاء امساک است. این خیلی خوب است.

---

[1] البقره ۱۸۵

ج) نهی طولی از صوم وصال

اما «نهی المسلمون عن صوم الوصال»، چرا؟ بهخاطر ملاحظه یسر و عدم عسر؛ بهخاطر شریعت سهله سمحه و عجز عباد. خُب این یک امر طولی شد. یعنی اقتضاء صوم در «فلیصمه» از بین نرفت، بلکه بهخاطر ملاحظه امر سهولت، آمده وصال نکنید. پس وصال بهخاطر عجز است. بهخاطر ضعف ما است که آمده. پس وصال نیست. ولی اینطوری که نقل شده، خود حضرت وصال را انجام میدادند؛ چون فرمودند من جهت عسر شما را ندارم. حال هم که از وصال نهی شد، مثل روزه ی سفر- البته تنها در سفر دارد که «صدقة الله لاترد» - وقتی خدای متعال بهخاطر عجز و ضعف ما یک جایی تخفیف میدهد، اگر آن تخفیف را بی خودی در کنیم، میگویند «رد صدقة الله» است. و لذا «إن الله تبارك و تعالى يحب أن يؤخذ برخصه كما يحب أن يؤخذ بعزائمه»[1]؛ جایی که خداوند متعال رخصت داده، بهعنوان ثانوی عزیمت میشود. حال دیگر مسافر نمیتواند روزه بگیرد، نمیتواند تمام بخواند. پس این مرحله بعدی است؛ وصال ممنوع شد.

---

[1] تفسير القمي ج ۱ ص۱۶

د)امر طولی به صوم «من العتمه الی الللیل»

خُب بعدش چه شد؟ «من العتمه الی الللیل» بود. این به‌خاطر اقتضاء اثباتی بود.

ه) امر طولی به صوم در روز؛ خروج شب از ظرف امساک

بعد «عَلِمَ اللّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتابَ عَلَيْكُمْ وَعَفا عَنْكُمْ فَالْآنَ باشِرُوهُنَّ وابْتَغُوا ما كَتَبَ اللّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ»

[1]؛ یعنی قرار شد یک مرتبه ثبوتیای در طول قبلی باشد. اقتضاء از بین نرفته است، «یرید اللّه بکم الیسر»؛ آن اقتضاء هست اما چون شما ضعیف هستید و خداوند به شما اراده یسر دارد، پس حالا «کلوا و اشربوا حتی یتبین». یعنی شب از ظرف امساک بیرون رفت. نه به‌خاطر عدم اقتضاء آن، بلکه به‌خاطر ملاحظه یسر بر مکلفین و اینکه این یک ماه است.

---

[1] البقره ۱۸۷

و) نهی طولی از صوم مسافر

بعدش چه شد؟ برای سفر فرمود. «وَمَنْ كانَ مَرِيضاً أَوْ عَلىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»[1]. الآن می‌بینید همه اینها طولی است. یعنی اقتضاء صوم از بین نرفته است. فقط مسافر به این صورت است.

بازگشت به انشاء طولی قبلی در مسافر جاهل

خُب حال آمدیم و مسافر آیه تقصیر را نمی‌دانست؛ «وَإِنْ لَمْ يَكُنْ قُرِئَتْ عَلَيْهِ وَلَمْ يَعْلَمْهَا فَلَا إِعَادَةَ عَلَيْهِ»[2]؛ در اینجا نمازش قبول است و روزه ای هم که می‌گیرد قبول است. چرا؟ چون آن حکم ثبوتی که از بین نرفته است. ما نیاز نداریم بگوییم در اینجا دلیل خاص داریم. نه، همان دلیل اصلی کافی است تا بگوییم صوم اقتضاء خودش را دارد. آن دلیل طولی است که الآن به‌خاطر جهل به حکم، حکمش مرتفع می‌شود و به این بر می‌گردیم.

خُب اگر به این صورت شد، حال برای روز که ارتکاز وضعی داریم چه می‌شود؟ همینطوری که احکام تکلیفی طولی داریم، احکام وضعی طولی هم داریم. انواع مختلفی از حکم وضعی طولی را می‌توانیم تصور کنیم. اگر این تصور درست باشد و از ادله استظهار شود و عرف عقلاء هم معنت کنند، فوائد خیلی خوبی دارد.

---

[1] البقره۱۸۵

[2] تفسیر العیاشی ج ۱ ص۲۷۱؛ «... فَمَنْ صَلّى فِي السَّفَرِ أَرْبَعاً أَيُعِيدُ أَمْ لَا قَالَ: إِنْ كَانَ قُرِئَتْ عَلَيْهِ آيَةُ التَّقْصِيرِ وَفُسِّرَتْ لَهُ فَصَلّى أَرْبَعاً أَعَادَ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ قُرِئَتْ عَلَيْهِ وَلَمْ يَعْلَمْهَا فَلَا إِعَادَةَ عَلَيْهِ».